

یادداشت

اعلامیه استقلال آمریکا

در مقابل دو ویرانه

صدرالدین شیرازی

پس از لوح «حمراپی» و قانون نگاشته بر آن و بعد از منشور «کورش بزرگ» که نخستین الواح و اعلامیه‌های حقوق بشر در جهان بوده‌اند، اعلامیه استقلال آمریکا، از مشهورترین قوانین مردم جهان و خصوصا ملت و دولت آمریکاست. جفرسون تدوین‌کننده اعلامیه استقلال آمریکاست. اعلامیه‌ای که در چهارم جولای ۱۷۷۶ به تصویب کنگره قاره‌ای رسید. کنگره قاره‌ای (Con- tinential Congress) یک نهاد سیاسی موقت بود که به نمایندگی از ۱۳ مستعمره بریتانیا در آمریکای شمالی فعالیت می‌کرد و نقش اصلی آن هم‌راستاکردن تلاش‌ها و تصمیم‌گیری‌های مستعمرات برای مقابله با حکومت بریتانیا بود. اعلامیه استقلال آمریکا، سندی تاریخی و بنیان‌گذار است که رسماً استقلال ۱۳ مستعمره آمریکای شمالی را از سلطه بریتانیای کبیر به کنگره قاره‌ای اعلام می‌کند.

در تدوین اعلامیه استقلال آمریکا چند نفر نقش کلیدی داشتند که مهم‌ترین آنها در کمیته‌ای پنج نفره گرد هم آمدند تا متن نهایی را تهیه کنند. این کمیته از متخبان کنگره قاره‌ای بود و شامل افراد زیر بود:

- توماس جفرسون نویسنده اصلی، پیش‌نویس اولیه.
- جان آدامز، سیاست‌مدار برجسته که در اصلاح و بهبود متن اعلامیه نقش داشت.
- بنجامین فرانکلین: نقش مهمی در بازنگری و تکمیل متن داشت.
- رجر شرم: نماینده کنگره که در بحث‌ها و اصلاحات متن شرکت کرد.
- رابرت زلییس: عضو کمیته که در بازبینی متن و ارائه نظرات مشارکت داشت.

این مشارکت جمعی باعث شد اعلامیه‌ای با قدرت بیانی بالا و ترکیبی از فلسفه حقوق بشری و دلایل سیاسی قوی ارائه شود. از نظر تاریخی، اعلامیه استقلال نه تنها یک بیانیه سیاسی، بلکه ترکیبی از ایده‌های روشنگری و فلسفه حقوق بشر بود که بر مبنای آن حق طبیعی انسان‌ها برای آزادی، برابری و حق تغییر حکومت به رسمیت شناخته شده است. اعلامیه استقلال نه تنها مبنای تشکیل ایالات متحده شد، بلکه الهام‌بخش بسیاری از جنبش‌های استقلال‌طلبانه و حقوق بشری دیگر در سراسر جهان شد. با اتکا به اعلامیه استقلال آمریکا بود که در چهارده ماه می ۱۹۴۸ نمایندگان احزاب و گروه‌های سیاسی و ملی صهیونیست در فلسطین اشغالی، در تالاری در تل‌آویو گرد آمدند و در حالی که جنگ شش روزه میان اعراب و اسرائیل ادامه داشت و شهر اورشلیم در محاصره نظامی ارتش‌های عربی بود، «داوید بن گوریون» منشور استقلال اسرائیل را قرائت کرد و این حق در اعلامیه بالفور در دوم نوامبر ۱۹۱۷ به رسمیت شناخته شد و مجمع عمومی ملل متفق آن را تصویب کرد.

اعلامیه استقلال آمریکا سندی شد که ثابت کرد حق تعیین سرنوشت و استقلال ملل از استعمار، یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود. دو قرن بعد با بروز بحران‌های بین‌المللی باز اعلامیه در کانون توجهات سیاسی و حقوقی قرار گرفت و اهمیت آن به مرور زمان افزایش یافت.

اکنون با گذشت بیش از ۲۵۰ سال از تدوین این اعلامیه مهم شاهد نقش آشکار مهم‌ترین بند آن هستیم: بندم دوم اعلامیه تاکید دارد که:

«ما این حق را از حق مسلم می‌دانیم که همه انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند و خالق آنان حقوق غیرقابل سلبی از جمله حق زندگی، آزادی و تلاش برای رسیدن به خوشبختی به ایشان عطا کرده است. برای حفظ این حقوق، دولت‌ها به‌وسیله مردم تشکیل می‌شوند و قدرت مشروع خود را از رضایت حاکمیت می‌گیرند. هرگاه هر نوع دولتی مخرب این اهداف شود، مردم حق دارند آن را تغییر داده یا منحل کنند و حکومتی نو ایجاد کنند که براساس اصول و نظم‌هایی استوار باشد که به نظرشان بیشترین امنیت و خوشبختی را فراهم می‌آورد.»

بر اساس داده‌های سال ۲۰۲۳، جمعیت نوار غزه حدود دو میلیون نفر است. وضعیتی که اینک بر این منطقه در سرزمین اشغالی فلسطین حاکم است با واژه‌ه‌وز بند دوم اعلامیه استقلال که دستمایه پژوهش‌ها و انقلاب‌های جهان شد در تناقضی آشکار قرار دارد. ترامپ با حمایت از رژیم اسرائیل ثابت کرد که به حقوق بنیادین اعلامیه پایبند نیست. آمریکا متوجه این امر نیست که با حمایت از جنایات رژیم اسرائیل باعث تزلزل فلسفی و حقوقی اعلامیه استقلال شده است. این تنها غزه نیست که ویران شد. این نظام ارزشی حقوق است که با اضمحلال شهری به وسعت غزه رو به ویرانی گذاشته. امروز این سؤال در ذهن همه آزادی‌خواهان و آذهان عمومی و جهان اسلام مطرح است که آیا ۴۰ هزار کودکی که در غزه جان باختند و مادرانی که دیگر شیر برای فرزندان خود ندارند، مجروحانی که از خرابه‌های بیمارستانی به خرابه دیگری پناه می‌برند، حتی برای زندگی و آزادی و تعیین سرنوشت ندارند؟ آیا عدالت ترسیم‌شده در کتاب‌های حقوق و منشورهای سیاسی چون منشور حقوق بشر تنها واژه‌هایی بی‌روح‌اند؟ آیا عبارات حقوقی و بحث‌های داغ آن فقط زینت‌بخش محافل آکادمیک و در زیر سقف‌های برطمطراق اجلاس‌ها و سمینارهاست؟ آیا مصداق رعایت مفاد آن تنها شایسته صاحبان قدرت و کشورهای مرفه است؟ مگر «حقوق طبیعی» عام‌ترین حقوق مدون در نظام حقوقی جهان نیست؟ پس چرا شامل زنان و کودکان و جوانان و بیماران غزه نمی‌شود؟

امروز غزه تلی از خاک و سیمان و آهن است. ولی فریادی دیگر باز آباد و پر نشاط خواهد شد. چنان خرمشهری که روزی «خوین‌شهر» شد و باز خرم و آباد شد. اما با بی‌توجهی به این سؤالات اساسی آنچه پیش و بیش از غزه در نگاه به‌تازده مردم جهان و خصوصا مسلمانان، ویران شد در واقع جاهت «حقق بین‌الملل» در نظام آکادمیک جهان و دادگاه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. جاهت‌های که با ویرانی‌اش لکه آن شاید هرگز از کارنامه دانش حقوق و سیاست جهانی پاک نشود. مجامعی که مشحون از زنان و مردان پر اسم و رسم یا رزومه‌های پربرار است ولی کوبی کمک و کر هستند و به تعبیر قرآن: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آغْنٌ لَا يُصَرِّونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا». دل دارند ولی تعمق ندارند، چشم دارند ولی نمی‌بینند و گوش دارند ولی نمی‌شنوند. (اعراف - ۱۷۹). این وظیفه همه گزارشگران و خبرنگاران بدون مرز است که با آگاهی‌بخشی دو چیز را نجات دهند: دامن مردم مظلوم و بی‌پناه غزه را و دوم اعتباری که دانش حقوق و سیاست، قرن‌هاست برای خود اندوخته و در دانشگاه‌های معتبر جهانی تاریخچه پرماجرایی دارد.



ابتدا برای درک بهتر این موضوع کمی به عقب برگردیم زمانی که ترامپ در دور اول ریاست‌جمهوری خود به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا انتخاب شد، شرایط خاورمیانه کاملاً متفاوت‌تر از آن چیزی بود که آمریکایی‌ها برای آن جنگیده بودند. آمریکا احساس می‌کرد در تمام جبهه‌ها در خاورمیانه از ایران شکست خورده است و به گفته هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا در دولت اوباما، قبل از آمدن ترامپ هر جا که در خاورمیانه می‌رفتیم ایران بود و طبیعتاً این نشان می‌داد که برای آمریکا تشکیل خاورمیانه جدید به بن‌بست خورده بود.

ترامپ بر اساس خلق‌و‌خو و رفتار شخصی خود و کمک مشاورانش، به همراه اسرائیل برای تقابل و کاهش نفوذ ایران در خاورمیانه و تشکیل خاورمیانه جدید راهی خارج از عرف دیپلماتیک جهان برای پیشبرد اهداف آمریکا انتخاب کرد. این راه و استراتژی واردشدن به عرصه تقابل‌های بین‌المللی براساس قدرت است که بی‌اعتنا به تمام سازمان‌ها و قوانین بین‌المللی پیش می‌رود.

ترامپ در دور اول ریاست‌جمهوری‌اش ابتدا سراغ برجام رفت. ایران توانسته بود به‌وسیله دکتر ظریف برجام را در زمینه فعالیت هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ امضا کند و شرایط را برای فعالیت اقتصادی بیشتر ایران و ثبات آن در منطقه فراهم و سایه تحریم‌ها را برای ایران کم کند. ترامپ در سال ۹۷ از برجام خارج شد و به اصطلاح برجام را پاره کرد، چون خوب می‌دانست نگهداری قدرت احتیاج به اقتصاد قوی دارد و اگر اقتصاد ایران بعد از رفع تحریم‌ها قوی شود، تسلط و قدرت ایران بر خاورمیانه بیشتر خواهد شد. وقتی ترامپ از برجام خارج شد تدریوها در ایران از طریق رسانه و گروه‌های سیاسی خود دکتر ظریف را تحت فشار قرار دادند که در شناخت آمریکایی‌ها اشتباه کرده‌اید، فارغ از اینکه نمی‌دانستند ترامپ چه در سر دارد. در آن زمان ظریف فرمانده دیپلماسی و سردار سلیمانی فرمانده میدان ایران بود. سردار سلیمانی بعد از انقلاب از سال ۵۸ تا ۹۸ به مدت ۴۰ سال در میدان‌های جنگ بود و از سال ۷۶ تا ۹۸ به مدت ۲۲سال فرماندهی سپاه قدس ایران را در اختیار داشت. خیلی از دشت‌ها و کوه‌های خاورمیانه را پیاده راه رفته بود و انواع جنگ‌ها را با آمریکا و اسرائیل در افغانستان و عراق، سوریه و لبنان تجربه کرده و جالب اینکه در همه این جنگ‌ها از میدان پیروز خارج شده بود. وقتی ترامپ ایران را تهدید کرد سردار سلیمانی در جواب او گفت نیروی‌های مسلح ایران نمی‌خواهد، اول باید با نیروهای من، نیروهای سپاه قدس بجنگید که خب طبیعتاً در چنین شرایطی جنگ مستقیم و گسترده با ایران بدترین کار بود. همه سیاست‌مداران و نظامیان آمریکایی مطمئن شده بودند با یک نابغه نظامی طرف هستند که نقش محوری و ساختاری در تسلط ایران بر خاورمیانه از طریق سپاه قدس دارد و جایگزین‌کردن آن برای هر کشوری بسیار سخت هست. به همین خاطر یک سال بعد از خروج از برجام، ترامپ دستور ترور سردار سلیمانی را در دی‌ماه سال ۹۸ داد و سردار سلیمانی در هنگام خروج از فرودگاه بغداد توسط جنگنده‌ها و پهپادهای آمریکایی ترور شد.

پس از ترور سردار سلیمانی تشکیل خاورمیانه جدید کلید خورد
اولین اتفاق دو ماه بعد از ترور سردار سلیمانی یعنی اسفند ۹۸ افتاد و آن هم اجراشدن توافق دوحه توسط ترامپ و واگذاری افغانستان به طالبان در قطر بود. ترامپ توافق دوحه را که ابتکار خودش می‌دانست اجرا کرد تا مطمئن نشود طالبان خواسته‌های او را مدنظر قرار خواهد داد و به گفته یکی از اعضای تیم حاضر در گفت‌وگوهای دوحه، ترامپ عکس خانه ملاعب‌الدغنی برادر را به او نشان

ترامپ چگونه توانست با خروج از برجام و ترور سردار سلیمانی به بمباران فردو برسد

پیامدهای واگذاری افغانستان



احسان‌اللهی مقدم

داد و گفت اگر یک سرباز آمریکایی کشته شود خانه‌ات را بمباران می‌کنم. تجربه عراق به آمریکایی‌ها یاد داده بود که مطمئن شوند دولت دست‌نشانده در خاورمیانه با سپاه قدس ایران، ارتباط سیاسی و نظامی پیدا نمی‌کند. از طرفی ترامپ شخصا دستور ترور سردار سلیمانی را داده بود تا توافق سردار سلیمانی با طالبان اجرا نشود. به ادعای سایت میدل‌ایست‌آی سردار سلیمانی در سال ۹۵ (۲۰۱۵) توانسته بود شرایطی به وجود آورد که با طالبان توافق شده بود در مرزهای ایران نگذارند آمریکایی‌ها پایگاه داشته باشند و به طالبان کمک‌های مالی و نظامی شود. در ادامه یک سال بعد از ترور سردار سلیمانی یعنی در آبان سال ۱۳۹۹ آذربایجان به کمک ترکیه و انتقال گروه‌های تروریستی از سوریه به آذربایجان به پیروزی آذربایجان در مقابل ارمنستان کمک کرد. این گروه‌ها همان‌هایی بودند که در سوریه از سردار سلیمانی شکست خورده بودند. پس از آن در ۲۴ مرداد ۱۴۰۰ جمهوری‌ت در افغانستان سقوط کرد و طالبان وارد کابل شدند و جالب اینکه بعد از این دو اتفاق مهم در همسایگی ایران، اسرائیل در ۳۰ مرداد ۱۴۰۰ طرح کشتن با هزار ضربه جاقو در مقابله با ایران را پرده‌برداری کرد که براساس آن اسرائیل از طریق ترکیبی از حملات در جبهه‌های نظامی متعدد و دیپلماتیک با ایران مقابله کند و رفع تحریم‌های ایران اتفاق نیفتد. نزدیک‌شدن به همسایگان ایران و فعال‌کردن تنش‌های قومی و هویتی در داخل ایران از اهداف این استراتژی بود. سه سال بعد دولت بشار اسد در سال ۱۴۰۳ سقوط کرد. جالب‌تر اینکه زمانی که دولت بشار اسد سقوط کرد، در سوریه سربازانی از طالبان بودند که سقوط بشار اسد را به ملا هت‌الله تبریک می‌گفتند و در مصاحبه با خبرنگاران می‌گفتند در جنگ آذربایجان با ارمنستان برای ارتش آذربایجان جنگیده‌ایم، این را باید در نظر می‌گرفتیم که طالبان و علی‌اف و جولانی با مدیریت آمریکا و سازمان سیا مدت‌هاست با هم همکاری دارند. در سال ۱۴۰۴ در دولت مسعود پزشکیان اسرائیل به ایران حمله کرد و جالب‌تر اینکه بعد از حمله اسرائیل به ایران و جنگ تحمیلی ۱۲ روزه که اتفاق افتاد، جولانی به آذربایجان آمد و همراه علی‌اف از سرزمین‌های که سربازان جولانی در فتح آن نقش داشتند، بازدید کرد.

در طرف دیگر این داستان بعد از جنگ آذربایجان و ارمنستان هم‌زمان با روی کار آمدن طالبان در افغانستان در ایران در همان سال ۱۴۰۰ ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. گروه جبهه کشتن بیشترین فعالیت سیاسی را در این دوره داشته که درحال‌حاضر سعید جلیلی شناخته‌شده‌ترین عضو آن است و در مناظرات انتخاباتی از آن به‌عنوان دولت در سایه یاد می‌شد. از طرفی بعد از خروج ترامپ از برجام و ترور سردار سلیمانی، شرایط به مرور در ایران متفاوت شد. تدریوها در جاهای مختلف به هر بهانه‌ای به حسن روحانی و ظریف حمله می‌کردند. وقتی ترامپ در دوره دوم از بایدن شکست خورد، طبیعتاً ایران تلاش می‌کرد که دوباره شرایط برجام و توافق با بایدن را فراهم کند، ولی بازی‌های سیاسی باعث شد که به گفته حسن روحانی، رئیس‌جمهور وقت ایران، توافق با بایدن فقط برای یک امضا بماند تا در دولت بعد که دولت شهید رئیسی بود این توافق انجام شود، اما در دولت شهید رئیسی

هم جلیلی از مخالفان توافق با آمریکا و دولت بایدن بود و در نهایت این توافق انجام نشد.

در مجلس دوازدهم هم اعضای همین گروه پایداری سعی کردند در انتخابات ریاست مجلس، قالیباف را شکست دهند و یک عضو جبهه پایداری را به‌عنوان رئیس مجلس معرفی کنند. اعضای همین گروه، دکتر ظریف معاون راهبردی دولت مسعود پزشکیان را به‌خاطر گرین‌کارت فرزندانش مجبور به استعفا کردند، درحالی‌که مرتضی آقانهزنی که رئیس شورای مرکزی جبهه پایداری است خودش گرین‌کارت آمریکا را دارد.

ندیدن واقعیت دلایل واگذاری حکومت افغانستان به طالبان و اینکه چه عواملی باعث پیروزی علی‌اف در برابر ارمنستان شد، تأثیرات جبران‌ناپذیری در چهار سال بعد برای کشور در سال ۱۴۰۴ داشت. اگرچه شهید رئیسی دل خوشی از طالبان نداشت و وقتی ملاغنی برادر به ایران آمد شهید رئیسی به تاجیکستان و دیدار با امامعلی رحمان رفت. برخی اصولگرایان، طالبان را جنبش اصیل منطقه نامیدند و آذربایجان را کشور مسلمان دانستند. با برآورد اشتباه از اتفاقات منطقه باعث شدند پازل دشمن با روی کار آمدن طالبان و توجه‌نکردن به اینکه اعضای تحریر الشام و جبهه النصرة از طریق ترکیه به‌عنوان سربازان علی‌اف و با داشتن تجهیزات نظامی و پهپادی اسرائیلی توانستند ارمنستان را شکست دهند پس چطور می‌شد توقع داشت که طالبان و علی‌اف که پیروزی‌های خود را مدیون آمریکا و سربازان جولانی، ترکیه و اسرائیل می‌دانند، به سمت ایران تمایل داشته باشند. و در نهایت وقتی ترامپ برای بار دوم رئیس‌جمهور آمریکا شد، در دوره دوم ریاست‌جمهوری خود همراه اسرائیل و در سال ۱۴۰۴ به ایران حمله کردند و باعث جنگ تحمیلی ۱۲ روزه علیه ایران شدند و ترامپ دستور بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران را داد. اما وقتی اتحاد سردم ایران و توان موشکی و توانایی بازسازی فرماندهی نظامی ایران را دیدند، این خود اسرائیل و ترامپ بودند که درخواست آتش‌بس را دادند. به نظر می‌رسد باز هم داستان استراتژی مرگ با هزار ضربه جاقو هست تا دوباره خود را بازسازی کنند و به نقاط قوت خود که در مرحله قبل به آنها ضربه زده بودند، حمله کنند. از طرفی هم از درگیری طولانی‌مدت با ایران پرهیز کنند، وقتی اسرائیل به ایران حمله کرد، در این جنگ ۱۲ روزه این‌قدر شدت درگیری و برخورد موشک‌های ایران بالا رفت و احتیاج به تمرکز بیشتر در حمله به ایران بود که بر شدت حملات اسرائیل در سایر جبهه‌های جنگ در خاورمیانه تأثیر داشت و اگر زمان این‌هم حمله و جنگ با ایران بیشتر می‌شد، فرصت تحرک و بازسازی بیشتری به سایر جبهه‌ها علیه اسرائیل می‌داد.

جاسوسان و نفوذی‌های اسرائیل در روز اول جنگ تحمیلی ۱۲ روزه نقش مهمی در ترور فرماندهان نظامی و خرابکاری و انفجار در پدافند هوایی ایران داشتند، ولی جایی که نقش آنها نقش بر آب شد زمانی بود که به مردم ایران روبه‌رو شدند و بعد از اینکه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه تمام شد، نتانیاهو و مارک رابویو وزیر امور خارجه آمریکا گفتند که درباره تغییر رژیم و حکومت در ایران، مردم ایران تصمیم‌گیرنده هستند. در حال حاضر ایران هم مشکل قطعی برق و هم کمبود آب دارد، به‌همین دلیل دولت جمهوری اسلامی ایران بیشتر از هر زمانی احتیاج به همکاری و همراهی مردم ایران دارد. این همکاری نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در آینده ایران دارد. باید دید این تغییرات در ایران چقدر جدی گرفته می‌شود و به کدام سسو می‌رود. چون به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین مسائلی که بعد جنگ تحمیلی ۱۲ روزه دشمنان ایران در حال بررسی آن هستند، همین همراهی مردم و تغییرات در حکومت و دولت در ایران است.

کشاورزی ایران امروز باید با تغییرات اقلیمی سازگار شود

تعیین نوع محصول محدود نیست، بلکه از اساس مدل تولید، تقویم زراعی، شیوه‌های آبیاری، فناوری‌های بهره‌برداری، سیاست‌های حمایتی، نظام‌های مدیریت ریسک و حتی سازوکارهای بازار را براساس اصول تاب‌آوری، تطبیق‌پذیری و سازگاری باطراحی می‌کند. ادامه کشاورزی در مناطق خشک و نیمه‌خشک که تحت فشار فرایند تغییرات اقلیمی قرار دارند –ازجمله ایران– بدون گذار به سامانه‌های سازگار با اقلیم، نه امکان‌پذیر است و نه پایدار. بی‌توجهی به این واقعیت، پیامدهایی جبران‌ناپذیر برای امنیت غذایی و منابع پایه کشور در پی خواهد داشت.

در نه‌لایه، با احترام و همراهی کامل، ازغدغه جدی و ورود مسئولان رئیس‌جمهور به موضوع حیاتی الگوی کشت استقبال می‌کنیم و امیدواریم این دستور، برخلاف نمونه‌های پیشین، نقطه آغازی باشد برای تحولی ساختاری و رویکردی در مدیریت کشاورزی کشور. با این حال، لازم است هشدار داده شود که اگر این دستور در چارچوب محدود و کوتاه‌مدت گذشته برای بماند و تغییری بنابین در سیاست‌گذاری، اجرا و نگرش ایجاد نکند، آینده‌ای متفاوت رقم نخواهد خورد. روندهای فعلی به‌وضوح نشان می‌دهند که مسیر موجود، همچنان راه ناکارآمدی و بی‌تغییری را طی می‌کند و این واقعیت، امید به تحقق تغییر واقعی و پایدار را به‌شدت تضعیف می‌کند. ما امروز نیازمند گذار از «دستور» به «تحول»، از «برنامه» به «راهبرد» و از «مدیریت وضع موجود» به «سازگاری با آینده» هستیم. این مسیر تنها از طریق پذیرش واقعیت‌های اقلیمی، اصلاح ساختارهای حکمرانی منابع، بازسازی زیرساخت‌های دانشی، تقویت مشارکت اجتماعی، یکپارچه‌سازی سیاست‌های بخشی و جایگزینی نگاه کوتاه‌مدت با رویکرد آینده‌نگر میسر خواهد شد. تا زمانی که این الزامات محقق نشوند، هیچ دستوری توان عبور از سطح سیاست‌گذاری را نخواهد داشت و وارد مزرعه نخواهد شد و تغییرات اساسی در کشاورزی کشور رخ نخواهد داد.

یادداشت

الفبای نامتعارف «ABC» و راه‌های مقابله

بدهی‌ی است تا درد و مشکلی مطرح و بیان نشود، نمی‌توان درصدد علاج آن برآمد و به پیچیدن نسخه همت کرد. اسرائیل در تجاوز ۱۲روزه خود و البته قبل از آن در غزه به قطع و یقین ثابت کرد که به سه هیچ‌هنجار و قاعده و قانونی که حتی رگه نازکی از انسانیت در آن قابل تصور باشد هم پایبند نیست و در سفاکی و بی‌رحمی شایسته‌تر قرارگرفتن در صدر لیست گنبد در موضوع مربوط است.

آمریکا هم با وجود برخورداربودن از دولت قانونی، دست‌کمی از نیابتی خود در قانون‌گریزی و هنجارشکنی و بیراهه‌روی ندارد. این هم‌ذات‌پنداری بین مرشد و نایب، موجب پیوند ناکسستی‌شان، البته تا آنجا که تعارض منافع می‌آیند در کار نباشد، شده است.

اسرائیل همچون آمریکا مجهز به سلاح‌های اتمی، بیولوژیک و شیمیایی (ABC) است، هرچند با ابعاد کوچک‌تر و بسامد کمتر و با تفاوت رویکرد که به عنوان نمونه موجب شده اسرائیل سیاست ابهام هسته‌ای را پیش گیرد و تقریباً به هیچ‌یک از معاهدات بین‌المللی نپیوندد.

اسرائیل تاکنون در جنگ علیه مقاومت و نیز ایران، از همه سلاح‌های مرگ‌بار متعارف خود استفاده کرده است. بنابراین اگر از این به بعد سلاح‌های مرمزور را در هم‌آوردی با ایران کافی نداند و خود را در گوشه رینگ بیند و احساس شکست نظامی بکند، گمان نمی‌رود به جهت استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف تحفظی داشته باشد.

جهان هم‌ایک میدان یکه‌تازی رئیس‌جمهوری است که با تهدید، ارعاب، گردن‌کلفتی، بی‌قانونی، نابهنجاری، لات‌بازی، خودشیفتگی مشمئزکننده، زورگویی و توسل به زور از بمباران با مادر بمب‌ها تا راه‌اندازی جنگ تعرفه‌ها و... حکم‌فرامی می‌کند. او در این یکه‌تازی از حمایت کانون‌های فاسد قدرت، به ویژه دولت پنهان (deep state) برخوردار است و نیابتی‌اش در منطقه ما هم با تقلید از الگوی مرشد و حمایت بی‌چون‌وچرای او یکه‌تازی می‌کند.

همان‌طورکه در بالا اشاره شد، توسل اسرائیل به سلاح‌های نامتعارف الفبایی (abc) در این بافتار و حال و هوای سیاسی مغشوش نمی‌تواند مستبعد به نظر رسد.

جنایت رژیم، جهان را شوکه و مات و مبهوت کرده، به گونه‌ای که هیچ‌کس ادراکی برای فهم آنچه در حال وقوع است، ندارد و طبعاً از پس هیچ واکنش مناسبی هم نمی‌آید.

به نظر می‌رسد از سه‌گانه سلاح‌های غیرمتعارف اتمی، بیولوژیکی و شیمیایی (abc)، حمله احتمالی بیولوژیکی اسرائیل به ایران از جمله به منابع آب آشامیدنی ضمن آنکه فاجعه‌ای به غایت مصیبت‌بار است، برای آن رژیم با توجه به شرح پیش‌گفته ناظر به حال و هوای زمانه خیلی هزینہ‌زا نباشد و ازاین‌رو در اولویت باشد.

ما سار گزیده‌ایم؛ ما ان‌شاءالله بز است را تجربه کرده‌ایم؛ ما تحت تعلیمات گمراه‌کننده، ذهنمان را در دستوراتی دایی جان ناپلئون و ردیه توتنه شوشوش و مشوه ساخته‌ایم. اینک زمانی است که باید از ساده‌انگاری دست برداریم و هوشیاری پیشه کنیم و مسیر بحرانی را برویم که در تقابل با قضیه حمار است.

طرفه آنکه، تک‌تک بزرگسالان جامعه هشتادوچند میلیونی ما ناچار و ناگزیرند که در کار و مسئولیت و جایگاهی که قرار دارند، گوش‌به‌زنگ و مراقب باشند و اقدام مقتضی در برابر هر مفسده‌ای و هر سناریویی که بدتر از آن نباشد، انجام دهند. این کم‌هزینه‌ترین و درعین‌حال پرفایده‌ترین راه تقابل با هرگونه خرابکاری از هر نوع و شکل و چاره بدخواهی بدخواهان است.